

بررسی رابطه بین ساختار مالکیت شرکتی با اجتناب مالیاتی

سمانه فرمانی

حسابرس ارشد مالیاتی، کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی‌آباد کتول

Email: Sama24_farmani@yahoo.com

چکیده- هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه پژوهش شامل ۵۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و از طریق مدل آماری رگرسیون چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. مقوله‌های اجتناب از مالیات از آغاز زمان قانونگذاری مالیات تبدیل به مسئله‌ای شده است و در هر جامعه‌ای که مالیات وضع می‌شود متدوال است. اگرچه فعالیت‌های اجتناب از مالیات (فرار از مالیات) به اندازه خود مالیات قدمت دارد، روش‌هایی که آنها میان پرداخت کنندگان مالیات شرکت‌های بزرگ ابداع کردند در سال‌های اخیر خیلی پیچیده شده‌اند. این مسئله در میان پرداخت کنندگان مالیات شرکت‌ها با توجه به حجم مالیات‌های درآمد شرکت رایج‌تر است. حقیقت اینکه مالیات‌ها از نسبت بیشتری از درآمدهای پیش مالیات شرکت‌ها گرفته می‌شود و در نتیجه سودهای قابل توزیع را کاهش می‌دهد. ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می‌توانند در این ساختار ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده یا فامیل با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن‌ها در هیأت مدیره به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می‌دهد. نتایج نشانگر این است که بین مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار مثبت وجود دارد و بین تمرکز مالکیت و مالکیت سایرین با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مالکیت نهادی، مالکیت سایرین، تمرکز مالکیت، اجتناب مالیاتی.

مقدمه

مقوله‌های اجتناب از مالیات از آغاز زمان قانونگذاری مالیات تبدیل به مسئله‌ای شده است و در هر جامعه‌ای که مالیات وضع می‌شود متدوال است. اگرچه فعالیت‌های اجتناب از مالیات (فرار از مالیات) به اندازه خود مالیات قدمت دارد، روش‌هایی که آنها میان پرداخت کنندگان مالیات شرکت‌های بزرگ ابداع کردند در

سال‌های اخیر خیلی پیچیده شده‌اند. این مسئله در میان پرداخت‌کنندگان مالیات شرکت‌ها با توجه به حجم مالیات‌های درآمد شرکت رایج‌تر است. حقیقت اینکه مالیات‌ها از نسبت بیشتری از درآمدهای پیش مالیات شرکت‌ها گرفته می‌شود و در نتیجه سودهای قابل توزیع را کاهش می‌دهد. ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می‌توانند در این ساختار ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده یا فامیل با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن‌ها در هیأت مدیره به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می‌دهد (عبدالمحمد و همکاران، ۲۰۱۰)^۱.

شرکت‌های خانوادگی به علت وجود سهامدار عمده حقیقی و یا وجود اعضای خانواده در هیأت مدیره، ممکن است سایر سهامداران این گمان را داشته باشند که منافع خانواده، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان تصمیم‌گیری برای شرکت، بر منافع سایر سهامداران در اولویت قرار گیرد.

در شرکت‌های خانوادگی ممکن است به دلیل ساختار مالکیت خاص این شرکت‌ها، حفظ منافع خانواده بر حفظ منافع سهامداران جزء ارجحیت یابد، در نتیجه به دلیل اینکه سهامداران جزء کمتر به اطلاعات مهم و اساسی شرکت دسترسی دارند، همواره این خطر احساس می‌شود که منافع این گروه در معرض خطر به خصوص در بلندمدت قرار گیرد (اندرسون، ۲۰۰۳)^۲.

مالیات‌ها، کسورات از نقدینگی موجود برای یک شرکت است و از این رو سود سهام قابل توزیع بین سهامداران پیشنهاد می‌کند که مالکان شرکت دارایی خود را با فعالیت‌های اجتناب از مالیات مختلف به حداکثر برسانند. با این حال، چنین مزیت نقدینگی افزایش یافته از فعالیت‌های اجتناب از مالیات با هزینه‌های مشخص غیرمالیاتی انجام می‌شود (عبدالمحمد، ۲۰۱۰)^۳. اجتناب مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیرمستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرایم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن، کاهش ارزش شرکت، از جمله پیامدهای غیرمستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰)^۴.

¹ Abdolmohamad, and et. Al.(2010).

² Anderson,(2003).

³ Abdolmohammad,(2010).

⁴ Honlon & Hitzman,(2010).

مبانی نظری پژوهش تئوری ساختار مالکیت^۱

باید توجه داشت که تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد و بازده شرکت‌ها موضوعی پیچیده و چند بعدی است. به همین دلیل انواع تعارض و تضاد منافع بین اشخاص و گروه‌ها را می‌توان انتظار داشت که از جمله آنها می‌توان به تضاد منافع بین مالکان و مدیران، سهامداران و طلبکاران، سهامداران حقیقی و حقوقی، سهامداران درونی و بیرونی و غیره اشاره نمود. با وجود این، یکی از مهم‌ترین ابعاد تئوری نمایندگی به ناهمگرایی منافع بین مدیران و سهامداران مربوط می‌شود که موضوع اصلی اکثر تحقیقات در این زمینه را تشکیل می‌دهد. به اعتقاد صاحب‌نظران، سهامداران همواره باید نظارت مؤثر و دقیقی را بر مدیریت اعمال نمایند و همواره تلاش کنند تا از ایجاد مغایرت در اهداف و بروز انحراف در تلاش‌های مدیران جلوگیری شود. البته در هر صورت سهامداران با انتخاب مدیران و تفویض قدرت تصمیم‌گیری به آنان تحت شرایطی ممکن است در موضع انفعال قرار داشته باشند که شدت و ضعف آن بستگی زیادی به عملکرد، صحت و دقت تصمیمات سهامداران دیگر خواهد داشت (آرمسترونک^۲، ۲۰۱۳).

فرار مالیاتی چیست؟

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات‌ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به‌رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذیربط تعمداً نادیده گرفته می‌شود.

تمایز فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی

تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند، یک نوع

¹ Ownership Structure Theory

² Armstrong

عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد. اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلاف‌های قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می‌دهد که از نرخ پایین‌تری برای مالیات برخوردارند (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳). در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چرا که او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیرواقعی، یادداشت و ثبت می‌کند.

در واقع، عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. از آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیتی به ظاهر قانونی است، از این رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است.

به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوءاستفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. این مقوله به بررسی و یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی مرتبط می‌شود که مؤدیان به آن وسیله خود را به نحوی از افراد مشمول مالیات کنار می‌زنند. مثلاً تبادل درآمد نیروی کار به درآمد سرمایه که نرخ کمتری از مالیات را به همراه دارد، مثالی از اجتناب مالیاتی است. به عنوان مثال، فرض کنید بر فعالیتی چون فروش دوچرخه، مالیات بر ارزش افزوده وضع شود. حال اگر فروشنده‌ای برای پرداخت مالیات کمتر، دوچرخه کمتری بفروشد، رفتار وی بر پایه اجتناب از مالیات است. اگر همین فروشنده برای پرداخت کمتر مالیات، میزان فروش دوچرخه را کمتر از مقدار واقعی آن به اداره مالیات گزارش کند، رفتار وی فرار از مالیات قلمداد می‌شود (بوشی^۱، ۲۰۱۴).

بنابراین اجتناب مالیاتی، قانونی و برای کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است، اما تقلب یا فرار مالیاتی، غیرقانونی و مبادرت عمدی به اعمال خلاف قانون مانند گزارش غیرواقعی درآمد و فروش، کسورات و تنظیم اظهارنامه‌ها است. نظام مالیاتی در شرایط آرمانی، باید قابلیت مقابله با هر دو نوع فرار مالیاتی را داشته باشد.

¹ Bushe

پیشینه تجربی پژوهش

رضایی و مشیری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته است. در این تحقیق به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در بورس و اوراق بهادار پرداخته شد. هدف از تحقیق، تعیین تاثیر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است. نتایج آزمون تجربی با استفاده از اطلاعات مربوط به ۸۹ شرکت نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی ده سال (۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفت. ساختار مالکیت از طریق مالکیت بلوکی و نهادی و اجتناب مالیاتی از طریق دو معیار نرخ موثر مالیات نقدی و اختلاف دائمی مالیات اندازه‌گیری شد. نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و با نرخ موثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد. ضمناً بین مالکیت نهادی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معنادار و منفی و در روش نرخ موثر مالیات نقدی رابطه معناداری یافت نشد.

دیدار و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی پرداخته است. در این پژوهش به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی پرداخته شده است. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی، مالکیت دولتی، حسابرسی داخلی، اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و معامله با اشخاص وابسته با شکاف مالیاتی انجام گرفته است. همچنین برای نتیجه‌گیری بهتر، دو متغیر کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی وارد مدل پژوهش شده است. برای این منظور، ۱۱۰ شرکت نمونه برای یک دوره شش‌ساله در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیونی چندمتغیره براساس داده‌های تلفیقی انجام گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و اهرم مالی با شکاف مالیاتی، منفی است و متغیرهای حسابرسی داخلی و اندازه شرکت رابطه مثبتی با شکاف مالیاتی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی و معامله با اشخاص وابسته، رابطه معناداری با شکاف مالیاتی ندارند.

مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های اصول راهبری شرکت‌ها را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آنها نشان دادند که طرح‌های پاداش به‌عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در

طرح‌های بلندمدت و مالیات گاه عمل می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد که مدیریت مالیات سهامداران را متفع می‌سازد و مدیریت مالیات به‌طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است. سارتوری (۲۰۰۸)، نشان داد که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به‌صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. دسایی و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ‌های مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها می‌شود و برعکس نرخ‌های پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت. فریز و همکاران (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را با ارائه امتیازات یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه ساختار اصول راهبری شرکت‌ها تحت تأثیر اینکه شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، قرار می‌گیرد. همچنین، سیستم مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دوره پرداخت سود سهام تحت تأثیر قرار دهد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به بیان مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: بین مالکیت سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مالکیت سایرین و اجتناب مالیاتی شرکتی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش از کلیه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس فعال بوده‌اند، تشکیل شده است. نمونه آماری تصادفی بوده است و این ویژگی‌ها را داشتند سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند بود. جزو بانک و بیمه و سرمایه‌گذاری نبودند و وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشتند. بنابراین تعداد ۵۱ شرکت که حائز شرایط فوق بودند برای نمونه پژوهش انتخاب شدند.

مدل و متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل:

مالکیت سهامداران نهادی INSOWN: برای محاسبه میزان مالکیت نهادی مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست آمده است.

تمرکز مالکیت CONC: علاوه بر سرمایه‌گذاران نهادی، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند نیز جزو سهامداران عمده محسوب می‌شوند. با بررسی صورت‌های مالی، درصد مالکیت این سرمایه‌گذاران از سهام شرکت تعیین می‌شود.

مالکیت سایرین OTHEROWN: برای محاسبه مالکیت سایرین مجموع سهام در اختیار سایرین را بر کل سهام منتشره شرکت تقسیم می‌کنیم و درصد مالکیت سایرین به دست می‌آید.

متغیر وابسته:

این متغیر را براساس مقدار نسبی مالیات بر درآمد تجارت شرکت‌ها اندازه می‌گیرند که شامل میزان مالیات موثر می‌شود.

نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی^۱: نسبت مالیات نقدی پرداختی شرکت t در سال t به درآمد قبل از مالیات شرکت t در سال t به دست می‌آید به استثنای معافیت‌های موضوع مواد ۱۳۲ تا ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم از جمله معافیت‌هایی است که موجب تفاوت دائمی بین سود حسابداری و مشمول مالیات می‌شود (برای نمونه، طبق ماده ۱۴۱، ۱۰۰٪ درآمد حاصل از صادرات کالاهای صنعتی و یا طبق ماده ۱۴۵، سود حاصل از سپرده‌های بانکی از، مالیات معاف است). که از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$CASHETR_{it} = \frac{\text{مالیات نقدی پرداختی}}{\text{سود قبل از مالیات}}$$

متغیر کنترلی:

۱. اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم فروش شرکت در پایان سال مالی شرکت

¹ Effective tax rate paid in cash

۲. اهرم مالی (LEV): نسبت جمع بدهی‌های جاری و غیر جاری به کل دارایی‌ها
۳. نرخ رشد فروش (Sales Growth): از تقسیم فروش سال پایه بر تفاضل فروش سال پایه و فروش سال جاری طبق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$\text{Sales Growth} = \frac{\text{فروش سال پایه}}{(\text{فروش سال جاری} - \text{فروش سال پایه})} \times 100$$

مدل رگرسیونی برای آزمون فرضیه اول:

$$CTA_{it} = \alpha_i + \beta_1 \text{INSOWN}_{it} + \beta_2 \text{CONC}_{it} + \beta_3 \text{OTHEROWN}_{it} + \beta_4 \text{SIZE}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{SALESGROWTH}_{it} + \epsilon_{it}$$

CTA، اجتناب از مالیات شرکت اندازه‌گیری شده به عنوان نسبت مالیات نقدی پرداخت شده برای جریان نقدینگی عملیاتی است. INSOWN_i ، نشان‌دهنده مالکیت نهادی. CONC_{it} نشان‌دهنده تمرکز مالکیت OTHEROWN_{it} نشان‌دهنده مالکیت سایرین، SIZE_{it} نشان‌دهنده اندازه شرکت و LEV_i نشان‌دهنده اهرم مالی و SALESGROWTH_{it} نشان‌دهنده رشد فروش می‌باشد. α_i ، عبارت ثابت است. β_1 و β_6 ، شیب‌ها تخمین زده شده است و ϵ ، خطا مدل است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا به محاسبه آمار توصیفی داده‌ها اقدام شد. جدول ۱ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی را نشان می‌دهد.

جدول (۱). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار
CTA	0.131	0.141	0.636	0.00	0.110
INSOWN	62.25	64.54	95.26	0.00	25.36
CONC	61.25	64.26	92.36	12.25	17.21
Otherown	20.61	22.25	76.25	2.56	18.38
SIZE	5.87	5.92	8.53	4.35	0.65
LEV	0.63	0.65	1.36	0.05	0.27
Salesgrowth	15.36	16.25	21.25	-17.26	35.15

آمار استنباطی

جدول ۲ نتایج آزمون لیمر F لیمر و هاسمن و ناهمسانی واریانس را نشان می‌دهد. فرض صفر آزمون F جدول ۲ نتایج آزمون‌های یکسان بودن کارایی دو مدل با عرض از مبدأ مشترک و عرض از مبدأ متفاوت برای هر شرکت است و فرض مقابل این آزمون، مناسب‌تر بودن مدل با عرض از مبدأهای متفاوت در نظر گرفته شده است. فرض صفر آزمون هاسمن نیز یکسان بودن کارایی دو مدل رگرسیون با اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی در برآورد پارامترهاست و فرض مقابل آن نیز مناسب‌تر بودن مدل با اثرهای ثابت مطرح شده است. پس از اجرای آزمون F لیمر مشخص شد روش منتخب برای اجرای آزمون فرضیه‌های پژوهش، روش رگرسیون داده‌های پانل است. برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ استفاده شده است.

جدول (۲) نتایج آزمون‌های F لیمر

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره F	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
۱	اثرات خاص شرکت معنی‌دار نیستند (روش Pooling مناسب است)	0.86	۵۰	0.0030	H_0 رد می‌شود (روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود)

جدول (۲) نتایج آزمون‌های بروش پاگان کوک و ویسبرگ

فرض H_0	آماره محاسبه شده	P-value	نتیجه آزمون
همسانی واریانس	14.25	0.075	پذیرش H_0

از آنجاکه مقدار آماره دوربین و اتسون بین ۱٫۵- تا ۲٫۵ قرار دارد عدم همبستگی در اجزای باقی‌مانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F فیشر در تمامی آزمون‌ها کمتر از ۰٫۰۵ است لذا معنی‌داری کل مدل‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. ضریب برآورد متغیر مالکیت نهادی در جدول نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه مثبت و معنادار میان مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی شرکتی در سطح خطای ۰٫۰۵ است زیرا میزان سطح معناداری محاسبه شده برای این

متغیر برابر ۰/۰۳۶ بوده که این مقدار کمتر از ۰,۰۵ بوده و بنابراین فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنادار بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی پذیرفته می‌شود.

نتایج آزمون فرضیات پژوهش

جدول (۳) نتایج آزمون فرضیه‌ها

متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت (α)	0.136	0.060	2.265	0.001
INSOWN	0.001	0.0008	-1.231	0.036
CONC	0.001	0.003	0.365	0.65
OtherOwn	-0.004	0.003	-1.300	0.21
Size	-1.08	0.016	-0.624	0.38
LEV	-0.012	0.004	-2.56	0.000
SalesGrowth	-0.0065	0.018	-0.364	0.469
آماره F فیشر	2.566.	سطح معناداری آماره F		0.000
ضریب تعیین	0.426	آماره دوربین - واتسون		1.756

ضریب برآورد متغیر تمرکز مالکیت در جدول نشان‌دهنده‌ی عدم رابطه معنادار میان تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی شرکتی در سطح خطای ۰,۰۵ است زیرا میزان سطح معناداری محاسبه شده برای این متغیر برابر ۰,۶۵ بوده که این مقدار بیشتر از ۰,۰۵ بوده و بنابراین فرض H_0 پذیرفته می‌شود. ضریب برآورد متغیر مالکیت سایرین در جدول نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه منفی و معنادار میان مالکیت سایرین و اجتناب مالیاتی شرکتی در سطح خطای ۰,۰۵ است اما میزان سطح معناداری محاسبه شده برای این متغیر برابر ۰,۲۱ بوده که این مقدار بیشتر از ۰,۰۵ بوده و بنابراین فرض H_0 پذیرفته می‌شود و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنادار بین مالکیت سایرین و اجتناب مالیاتی رد می‌شود.

پیشنهادات برای تحقیقات آینده:

برای اظهارنظر دقیق‌تر درباره رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود تحقیقات دیگری در دوره‌های زمانی مختلف انجام پذیرد و نتایج حاصل از آن با نتایج این تحقیق مورد مقایسه قرار گیرد.

این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین مالکیت سهامداران نهادی - تمرکز مالکیت و مالکیت سایرین با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بود و نتایج حاصل از آن در بالا ارائه شده است. به منظور بررسی رابطه بین ابعاد دیگر ساختار مالکیت نظیر مالکیت مدیریتی- مالکیت خارجی و مالکیت خانوادگی و ... تحقیقات دیگری انجام شود.

منابع

۱. رضایی، فرزین و مشیری. حسین (۱۳۹۳). بررسی رابطه ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران، شرکت دانش محور ارتاچه.
۲. دیدار. حمزه، منصورفر. غلامرضا، کفعمی. مهدی. بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: زمستان ۱۳۹۳، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۴۰۹-۴۳۰
۳. مهرانی. ساسان، سیدی. سیدجلال (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت سال سوم / شماره دهم.

4. Abdolmohammadi, M. kvall, E. 2010. Earnings Management Priorities of Private Family Firms. American Accounting Association Annual Meeting, 31 July 2010, San Francisco, CA.
5. Armstrong, C.S., Blouin, J., Jagolizner, A. and Larker, D. (2013). corporate governance incentives, and tax avoidance. www.ssrn.com.
6. Anderson, R.C. Reeb, D. 2003. Founding family ownership and firm performance : Evidence from S&P500. Journal of Finance, 58:1301-1328 .
7. Desai, M., Dharmapala, D., (2007). "Corporate tax avoidance and highpowered incentives". J. Fin. Econ. 79, 145-179.
8. Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010). A review of tax research. Journal of Accounting and Economics, 50, 127-178.
9. Friese, A., Link, S., Mayer, S., (2006). "Taxation and Corporate Governance. Springer Berlin Heidelberg", Berlin, Germany.
10. Kristina, Minnick. and Tracy, Noga. (2010). "Do corporate governance characteristics influence tax management". Journal of Corporate Finance, 16, 703-718.
11. Sartori, Nicola. (2008). "effects of strategic tax behaviors on corporate governance". university of Michigan.